

شرایط اقتصادی کشور هیچ‌گاه عادی نبوده است

اشاره:

حدود چهار سال است که شرایط اقتصادی کشور ما در زمینه واردات و صادرات هیچ‌گاه عادی نبوده است و همواره با محدودیت‌هایی از سوی بازار جهانی روبرو بوده‌ایم. مهرداد زکی‌پور ضمن بیان مطلب فوق در مورد شیوع کرونا می‌گوید: «به جرئت می‌توان گفت که اگر این بیماری همه‌گیر پیش نمی‌آمد پوشاک‌های ما شرایط بسیار بهتری را تجربه می‌کردند. صنعت پوشاک ایران به دلیل همزمانی با محدودیت‌های واردات رونق خوبی پیدا کرد، تولیدکنندگان حجم فعالیت‌های خود را افزایش دادند و حتی در زمینه‌های کیفی هم به درجات بهتری رسیدند اما به دلیل محدودیت‌های باندمی و سوءمدیریت مدیران کشور، کاهش شدید نقدینگی، افزایش بیش از حد و غیرقابل تحمل نرخ ارز و عدم تأمین به‌موقع ارز ترجیحی (و در نتیجه افزایش هزینه مواد اولیه) و عدم امکان افزایش همزمان قیمت و همچنین سیاست‌های ریاضتی بانک‌ها و بسته بودن مسیر تسهیلات بانکی صنایع ما در تأمین مواد اولیه دچار مشکلات اساسی شده‌اند.»



خارجی و عدم رسیدگی به تعهدات داده شده توسط برندهای ثبت شده - عدم نظارت و کنترل لازم بر مبادی ورودی کشور در جلوگیری از ورود پوشاک قاچاق لازم به ذکر است که با گذشت زمان و تراز شدن حدودی قیمت‌ها با نرخ روز ارز، افزایش نرخ ارز در مورد کاهش قاچاق، قدرت بازدارندگی خود را از دست داده و برندهای خارجی با توجه به عدم جدیت نهادهای مسول به تدریج و به شکل علنی در حال بازگشت به بازار هستند. *تأثیرات تحریم بین‌المللی بر کل اقتصاد و تحریم صنعت نساجی به طور خاص و افزایش هزینه‌های تولید و فروش ناشی از این تحریم‌ها

۴ بیماری کووید ۱۹ چه تأثیراتی بر روند فعالیت صنایع نساجی کشور (و همچنین دنیا) گذاشته است؟ و فکر می‌کنید چه مدت به طول خواهد انجامید تا شرایط به حالت عادی گذشته (پیش از کرونا) باز گردد؟

به هر حال یک بیماری روبه توسعه، مهاجم و بسیار خطرناک در دنیا به وجود آمده است و قطعاً بر مبادلات بین‌المللی، برگزاری نمایشگاه‌ها، رفت و آمد فعالان اقتصادی، اجرای برنامه‌های توسعه‌ای و نوسازی جهت گسترش خطوط تولید و بازارهای فروش، کاهش تولید نرم‌افزارهای بازاریابی، تولید و فروش تأثیرات منفی گذاشته است. بیماری کووید ۱۹ نه

شروع برخورد با برندهای محرز قاچاق پوشاک در سطح عرضه، افزایش ریسک و هزینه‌های قاچاق موجب شد که کسانی که سال‌ها بدون هیچ مانعی و بدون پرداخت حقوق ملت و دولت با تابلوهای رنگارنگ و در بهترین مراکز تجاری کشور جولان می‌دادند و اجناس استوک و بی‌کیفیت خود را تحت نام بهترین برندهای پوشاک جهان با قیمت‌های گزاف می‌فروختند، جانب احتیاط پیشه کنند و با فعالیت گسترده خود را با امید بازگشت و با کمک یاران پیدا و نهان خود آغاز نمایند. در ادامه شرایط فوق، افزایش نرخ ارز خارجی نیز به کاهش واردات پوشاک قاچاق کمک کرد و به دنبال آن محدودیت و ممنوعیت واردات کالاهای ساخته شده و به تبع آن مشکلات عرضه علنی پوشاک خارجی و تشدید فعالیت تولیدکنندگان داخلی بازار گسترده‌ای را برای تولیدکنندگان داخلی ایجاد کرد.

معضلات فعلی صنعت پوشاک در شرایط امروز:

- محدودیت تأمین ارز برای واردات مواد اولیه صنعت نساجی، نخ، رنگ، ماشین‌آلات و قطعات یدکی - کمبود نقدینگی ناشی از افزایش هزینه‌های نهادهای تولید و عدم افزایش متناسب قیمت‌های فروش - عدم همکاری سیستم بانکی کشور در تنظیم تسهیلات و اعتبارات متناسب با افزایش هزینه‌ها - محدودیت‌های ناشی از شیوع پاندمی کووید ۱۹ - توقف اجرای مفاد دستورالعمل ثبت نمایندگی برندهای

۴ دیدگاه شما در مورد شرایط فعلی صنعت نساجی و پوشاک چیست؟ و مهم‌ترین معضلی که این صنعت با آن روبروست چیست؟ صنایع کشور معمولاً با دונوع مشکل مواجه هستند، مشکلات عمومی و مشکلات خاص هر صنعت. مشکلات عمومی که ناشی از تأثیر کلی عوامل سیاسی و اقتصادی جامعه است و همه صنایع کشور و تمام اقشار جامعه با آن مرتبط هستند. این دسته از مشکلات در جامعه امروز ما ناشی از موارد زیر است:

۱- ضعف مفرد مدیریت اجرایی و قانونگذاری کشور
۲- تحریم‌های گسترده بین‌المللی
۳- شیوع ویروس کرونا و همه‌گیری بیماری کووید ۱۹ عوامل سه‌گانه بالا تأثیر منفی بر فعالیت همه صنایع و فعالین اقتصادی کشور گذاشته است و صنایع مختلف به میزان نسبت وابستگی خود به عوامل فوق، تأثیر پذیری متفاوتی داشته‌اند.

بپردازیم به صنعت نساجی و پوشاک:

این صنعت در اواخر سال ۹۶ و قبل از شروع بحران ارزی در شرایط ویژه‌ای قرار داشت. فعالیت‌های گسترده اتحادیه و مشارکت برخی از تشکلهای پوشاک در مبارزه با قاچاق فراگیر پوشاک، امید به تجدید حیات صنعت که با سیاست‌های نادرست دولت‌های نهم و دهم و یورش همه جانبه قاچاقچیان رو به افول و نابودی بود را زنده کرد.

تنها برای صنایع نساجی بلکه برای تمام صنایع کشور و دنیا محدودیت‌های بسیاری به وجود آورده است. در شرایطی که تمام کشورها گرفتار یک مشکل مشابه و واحد می‌شوند، مدیریت با کیفیت هر کشوری می‌تواند اثرات منفی آن گرفتاری یکسان را کاهش دهد و به حداقل برساند، اما در ایران با وجود تلاش‌های جانفرسای تعدادی معدودی از مسئولین و کادر پزشکی و درمانی فداکار، در بسیاری از زمینه‌ها شاهدیم که به دلیل سوء مدیریت گسترده، سیر و رشد شیوع این بیماری از روز نخست و مقدار ناچیز به وضعیت وحشتناک فعلی رسیده و حتی احتمال افزایش آن نیز وجود دارد این در حالی است که در بسیاری از کشورها به مرحله مهار، کنترل و از بین بردن شیب ابتلا رسیده‌اند.

اصولاً برخی از صنایع مانند مواد غذایی، مواد بهداشتی و ضد عفونی کننده در زمان شیوع بیماری‌های مسری و پاندمی، بازار پررونقی پیدا می‌کنند بنابراین تمام صنایع دچار رکود یا نگرانی از آینده نمی‌شوند و همان‌طور که اشاره شد شرایط برخی به مراتب بهتر از گذشته می‌شود.

در مورد صنایع نساجی در ایران، بخشی از شاخه‌های این صنعت مانند پوشاک و فرش ماشینی قاعدتاً بایستی به دلیل محدودیت‌های ناشی از شیوع ویروس با رکود نسبی مواجه شوند ولی به دلیل همزمانی با نوسانات نرخ ارز و نگرانی‌های بازار از شرایط بعدی و مراجعه گسترده تجار و مصرف کنندگان رونق نسبی در این بازارها حفظ شد، محدودیت واردات و خلا نسبی ناشی از کمبود جنس خارجی به ویژه در مورد پوشاک نیز به این امر کمک کرد. به جرئت می‌توان گفت که اگر این بیماری همه‌گیر پیش نمی‌آمد پوشاک‌های ما شرایط بسیار بهتری را تجربه می‌کردند. صنعت پوشاک ایران به دلیل همزمانی با محدودیت‌های واردات رونق خوبی پیدا کرد، تولید کنندگان حجم فعالیت‌های خود را افزایش دادند و حتی در زمینه‌های کیفی هم به درجات بهتری رسیدند اما به دلیل محدودیت‌های پاندمی و سوء مدیریت مدیران کشور، کاهش شدید نقدینگی، افزایش بیش از حد و غیرقابل تحمل نرخ ارز و عدم تأمین به موقع ارز ترجیحی (و در نتیجه افزایش هزینه مواد اولیه) و عدم امکان افزایش همزمان قیمت و همچنین سیاست‌های ریاضتی بانک‌ها و بسته بودن مسیر تسهیلات بانکی صنایع ما در تأمین مواد اولیه دچار مشکلات اساسی شده‌اند.

شاید در بسیاری از کشورها برخلاف ایران، رکود بسیار سنگینی هم حاکم شده زیرا آنها از اقتصاد باثبات و با برنامه‌ریزی مشخص بهره‌مند هستند و زمانی که

محدودیت‌های ناشی از شیوع ویروس کرونا به وجود می‌آید، بسته شدن و محدودیت بازارها، که رکود و کاهش مراجعات مصرف کنندگان به فروشگاه‌های خرده‌فروشی را به دنبال دارد، قاعدتاً تمام کشورها با معضلی به نام «کاهش تولید» مواجه می‌شوند که پیامدهایی مانند کاهش درآمد، محدودیت در توسعه و برنامه‌ریزی برای آینده را در پی دارد و به تدریج در آستانه ورشکستگی، تعطیلی و خروج از بازارهای تولید و فروش قرار می‌گیرند.

این سوال که چه زمانی شرایط به حالت عادی بازمی‌گردد، بستگی به برنامه‌ریزی کشورها، نحوه کنترل، چیدمان‌های جدید در فروش، تقویت فروش‌های آنلاین و عدم نیاز به مراجعه حضوری مشتریان، تقویت شبکه‌های ارسال کالا و پست و سیاست‌های خاص هر کشور دارد. نکته مسلم این که تا تولید و توزیع عادلانه واکسن در سراسر جهان، نگرش بازگشت سریع و کوتاه مدت به شرایط گذشته، منطقی و صحیح نیست.

با توجه به تشدید تحریم‌ها و افزایش نرخ دلار وضعیت واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات چگونه است؟

حدود چهل سال است که شرایط اقتصادی کشور ما در زمینه واردات و صادرات هیچ‌گاه عادی نبوده است و همواره با محدودیت‌هایی از سوی بازار جهانی روبرو بوده‌ایم اما در شرایط فعلی، این محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها برای تجارت خارجی ایران به حد بسیار بالایی رسیده‌اند. زمانی که این اتفاقات رخ می‌دهند، تمام بازارها در زمینه‌های گوناگون، عکس‌العمل مختلفی از خود نشان می‌دهند. برای مثال وقتی صنعت نساجی کشور با محدودیت واردات و بازرگانی خارجی مواجه می‌شود، تأثیر این امر بر واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات متفاوت است.

به این معنا که در صورت قطع واردات مواد اولیه، در مهلت زمان کوتاهی انبارها از مواد اولیه خالی و ادامه کار صنعت متوقف می‌شود. به همین دلیل فعالان اقتصادی در زمینه بازرگانی صنایع نساجی به سرعت به فکر یافتن راه‌های دور زدن تحریم‌ها، اجرای شیوه‌های جایگزینی و روش‌های نوین برای بی‌اثر کردن محدودیت‌ها در زمینه واردات مواد اولیه و قطعات یدکی - به عنوان خوراک روزانه خطوط تولید - می‌افتند. بنابراین واردات مواد اولیه هرگز قطع نشده، نمی‌شود و نخواهد شد. چه بسا در مقطعی از زمان، کاهش پیدا کند و یا بسیار بحرانی شود ولی هیچ‌گاه متوقف نمی‌شود. با توجه به افزایش نرخ ارز، قیمت مواد اولیه گران می‌شود

زیرا تقاضای خرید آن بالا می‌رود و ورود آن کاهش پیدا می‌کند؛ به عبارت بهتر مصرف کنندگان مواد اولیه خطوط تولید صنایع نساجی از دو جهت دچار مشکل می‌شوند. به دلیل ضریب افزایش نرخ دلار و کاهش ارزش پول ملی، قیمت مواد اولیه وارداتی بالا می‌رود و با توجه به شرایط بحرانی، وارد کنندگان و حتی تأمین کنندگان داخلی مواد اولیه به سرعت از شرایط سوء استفاده می‌کنند و به بهانه سختی و محدودیت‌های ورود مواد اولیه، بیش از ضریب واقعی موجود، نرخ‌ها را بالا می‌برند. برای مثال وقتی قیمت دلار از هزار تومان به سه هزار تومان می‌رسد، طبعاً قیمت نخ سه برابر می‌شود اما خریدار مجبور است به چهار برابر قیمت نخ را از فروشنده خریداری نماید. حالا شرایط فروش از قبیل نحوه پرداخت و زمان تحویل و ... که جای خود دارد. در نهایت باید اعلام نمایم که شرایط تهیه مواد اولیه بحرانی است و موجودی مواد اولیه کشور به خط قرمز نزدیک می‌شود. در بخش واردات قطعات یدکی نیز همین شرایط حکمفرماست. اما در زمینه ماشین‌آلات، باید بدانیم که معمولاً ماشین‌آلات در یک فرایند طولانی‌تر با روند کندتر جایگزین ماشین‌های قبلی می‌شوند و در صنعت ما به مانند مواد اولیه و نیاز روزمره به آن نگاه نمی‌کنند، یعنی تأثیر اتفاقاتی که پیرامون نرخ ارز و ارزش پول ملی رخ می‌دهد و گرانی کالای وارداتی را به دنبال دارد، در مورد واردات ماشین‌آلات همچون مواد اولیه و قطعات، به روز نیست. اما واقعیت این است که با محدودیت سرمایه‌گذاری و کاهش واردات ماشین‌آلات، توسعه خطوط تولید متوقف و نوسازی و بازسازی کند می‌شود، لذا در یک روند طولانی مدت، خطوط تولید دچار فرسودگی و خروج از چرخه فناوری‌های روز می‌شوند. به طور مشخص در صنعت فرش ماشینی، اگر واردات سال‌های ۹۶ و ۹۷ با اوایل ۹۸ ماشین‌آلات رانمایه نمایم با افت بسیار محسوسی روبرو خواهیم شد. زیرا قیمت ماشین‌آلات چند برابر گران‌تر شده‌اند و دسترسی به ارز مورد نیاز برای واردات ماشین‌آلات بسیار سخت و دشوار بوده است.

به عنوان مثال یک ماشین بافندگی فرش ماشینی در پایان سال ۹۶، با نرخ ارز دولتی ۳۷۰۰ تومانی وارد می‌شد اما امروز باید با ارز حدود ۳۰ هزار تومان وارد شود. قیمت ماشینی که پایه محاسباتی آن ۳۷۰۰ تومان بوده در حال حاضر تقریباً هشت برابر افزایش پیدا کرده است که این امر در محصول نهایی جوابگو نیست و نتیجتاً عدم دسترسی به ارز و نقدینگی، کاهش شدید واردات ماشین‌آلات را به دنبال دارد.

صادرات در شرایط فعلی امکان‌پذیر و مقرون

به صرفه به نظر می‌رسد؟

شرط اول این است که اصولاً کشورهای موفق و سرآمد در عرصه صادرات، از مدیریت شایسته و ثبات قوانین و مقررات در زمینه فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی بهره‌مند هستند. تفکرات ملی دارند و منافع ملی را بر منافع شخصی ترجیح می‌دهند، این ویژگی‌ها در کشور ما کمتر دیده می‌شود. می‌دانید کسانی که دستشان به سکوهای مدیریتی می‌رسد، به سرعت تغییر می‌کنند و شرایط اقتصادی شخصی و موقعیتشان چگونه رقم می‌خورد... بگذریم...

شرط دوم، برنامه‌ریزی و چیدمان صحیح در ارتباط با اقتصاد جهانی است. کشورهای صادرات محور با تمام کشورها و بازارهای هدف خود روابط حسنه و خوبی دارند. به این ترتیب که هنگام ورود به بازار جدید، مورد استقبال قرار می‌گیرند و حداکثر محدودیتی که برایشان در نظر گرفته می‌شود، اعمال تعرفه در مورد کالاهایی است که کشورهای میزبان جهت حمایت از تولیدات داخلی در نظر می‌گیرند، که این امر در تمام دنیا مرسوم و جاری است.

هرگز کشوری موفق به تسخیر بازاری که در گرفتاری و درگیری با آن به سر می‌برد، نخواهد شد. فرض کنید کره جنوبی یا ژاپن می‌خواستند به بازار ایران صادرات انجام دهند. زمانی موفق بودند که روابط تجاری، مدیریتی و سیاسی آنها با کشور هدف، حسنه و عادی بود. اگرچه در جنگ اقتصادی با یکدیگر قرار داشتند اما طبق موازین پذیرفته شده، بسیار سخت است به کشوری صادرات داشته باشید که محل منازعه و درگیری‌های سیاسی شما باشد. در مجموع بستر سالم روابط سیاسی و فرهنگی یکی از شرایط موفقیت صادراتی است. شرط سوم این که تمام کشورهای موفق که در بازارهای صادراتی حرف‌های زیادی برای گفتن دارند، از کاهش ارزش پولی ملی خود که در بسیاری از موارد طبق برنامه‌ریزی بوده، برای صادرات استفاده کرده‌اند.

این یک اصل است که با کاهش ارزش پول ملی، قدرت صادراتی آن کشور تقویت و توان وارداتی تضعیف می‌شود. پس در شرایط فعلی اگر سه شرط مذکور در کشور ما موجود باشد در صادرات بسیار موفق خواهیم بود. شرط اول و دوم وجود ندارد و زمینه استفاده از شرط سوم یعنی کاهش ارزش پول ملی که امکان صادرات را فراهم می‌کند، تحت تأثیر شرط اول و دوم قرار می‌گیرد. برای مثال ۴-۵ ماه گذشته با کاهش ارزش پول ملی از دلار ۱۳ هزار و ۴۰۰ تومان در دی‌ماه ۹۸ به ۳۲ هزار تومان در

مهرماه ۹۹، یکی از بهترین دوران صادرات فرش ماشینی ایران به کشورهای همسایه بود، اما به دلیل عدم استقرار دو شرط اول و همچنین کاهش ارزش دلار در مقابل ریال و تا حدودی تقویت پول ملی، صادرات تقریباً متوقف شده است. در واقع صادرات ایران تحت تأثیر شرایط نامتعادل و بی‌ثبات سیاسی روز کشور ماست. امروزه بهترین بازارهایی که می‌توانیم با آنها ارتباطات تجاری داشته باشیم، عبارتند از افغانستان، عراق، تمام کشورهای حوزه خلیج فارس تا عربستان سعودی و یمن، لبنان، سوریه، شاخ آفریقا و کشورهای CIS (کشورهای جدا شده از شوروی سابق). این بازارها از نظر جغرافیایی در دسترس ما هستند، هزینه حمل و نقل و بُعد مسافت این کشورها برای صادرکنندگان ایرانی مقرون به صرفه است و به دلیل تشابهات فرهنگی امکان صادرات موفق و مستمر وجود دارد اما متأسفانه اغلب این کشورها دچار مسائل تنش‌زا با ایران هستند. عراق یک روز از کالاهای ایرانی استقبال می‌کند و روز بعد روی خوش نشان نمی‌دهند، در افغانستان همین روند حاکم است، درب‌های تجارت با امارات و عربستان کم‌کم به رویمان بسته می‌شوند. لذا در حالی که صادرات در شرایط فعلی امکان‌پذیر و مقرون به صرفه است (کما این که صادرات فرش ماشینی طی چهار ماه گذشته صحت این موضوع را به خوبی نشان داد) ولی کاملاً بی‌ثبات و تحت نوسانات سیاسی روز است.

تحلیل شما از وضعیت قاچاق به خصوص

قاچاق پوشاک در شرایط فعلی چیست؟ آیا

کرونا تأثیری در کاهش واردات داشته است؟

قاچاق یک پدیده ناگوار و ناپسند است که از زمان ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد با برنامه‌ریزی باندهای قاچاق، به شدت سرعت گرفت و صنعت پوشاک ما رو به نابودی رفت، به این ترتیب با کاهش تولید و محدودیت بازار پوشاک، تمام مواد واسط این صنعت نیز دچار مشکل می‌شوند. صنعت پوشاک به دلیل قاچاق دچار آسیب‌های بسیاری شد و به دنبال آن ریسندگی و بافندگی و رنگرزی با مشکلات فراوانی مواجه شدند. برای مبارزه با قاچاق تلاش‌های گسترده‌ای به خصوص توسط اتحادیه تولید و صادرات نساجی و پوشاک ایران انجام گرفت، در هماهنگی با تعداد بسیار محدودی عوامل و مسئولان دولتی میهن پرست؛ فعالیت‌های قابل توجهی در این راستا انجام گرفت و جلسات متعددی در زمان صدارت مهندس نعمت‌زاده برگزار شد که در نهایت به تدوین

دستورالعمل ثبت قانونی برندهای خارجی پوشاک در ایران منتهی گردید. با برندهای محرز و شناخته شده قاچاق که اسامی برندهای مطرح و معتبر دنیا را یدک می‌کشیدند، برخورد قانونی صورت گرفت. فروشگاه‌هایشان بسته شد، از مال‌های تجاری خارج شدند و تولیدکنندگان خوش‌نام ایرانی جایگزین آنها شدند. این امر با افزایش نرخ دلار هم‌زمان بود و واردات قانونی و غیرقانونی پوشاک کاهش چشمگیری پیدا کرد اما این فعالیت‌ها به دلیل مشکلات فراوان همچون مقاومت باندهای قاچاق - که از نظر مالی و مدیریتی بسیار قدرتمند هستند - در نیمه راه متوقف ماند. شیوع ویروس کرونا و پاندمی کووید ۱۹ یکی دیگر از عواملی بود که برنامه‌های مبارزه با قاچاق پوشاک را متوقف و گردهمایی‌ها، جلسات همفکری جهت ارتباط با دولت، مجلس، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز را محدود کرد اما به هر حال با تلاش دسته‌جمعی و افزایش نرخ دلار، می‌توان گفت دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار حجم پوشاک قاچاق که رقم پایه محاسباتی برای شروع مبارزه در سال ۹۶ بود، شاید به حدود ۵۰ درصد رسیده است. اما کماکان قاچاق پوشاک ادامه دارد و با تراز شدن هزینه‌ها و با بی‌برنامگی و عدم وجود سازکارها و اراده لازم، بار دیگر احیا خواهد شد.

امروزه در صورت مراجعه به مراکز فروش، مال‌ها و فروشگاه‌های بزرگ متوجه خواهید شد مارک‌های خارجی که تابلوهای آن سراسر تهران و استان‌های بزرگ را به تسخیر خود درآورده بودند، جای خود را به برندهای باکیفیت و مطرح ایرانی داده‌اند (گرچه نشانه‌هایی از بازگشت قاچاقچیان تحت عناوین ناشناخته دیده می‌شود) و این شرایط با تأمین نقدینگی و تهیه به موقع مواد اولیه و حمایت سیاسی، اقتصادی و مالی دولت و سیستم بانکی چندبرابر خواهد شد. تولیدکنندگان ایرانی نشان داده‌اند که شایستگی جایگزینی کسانی که به اصطلاح مفت و مجانی بازار پوشاک ایران را در اختیار داشتند، دارند و در شرایط بسیار سخت و دشوار می‌توانند با کمترین نقدینگی و حمایت دولتی، به تولید ادامه دهند اما ادامه کار منوط به رفع نیازهای نقدینگی، تأمین ارز کافی، رفع مسائل مالی و اعتباری سیستم بانکی، کاهش فشارهای سازمان‌های مالیاتی و تأمین اجتماعی و عزم ملی است که باید در بخش بزرگی از مسئولان کشور ما به وجود آید.

تهیه و تنظیم: مینایی